

نگاهی به اقتصاد

سال ۱۳۷۳ در شرایطی آغاز شد که اقتصاد ما از طرف بازارهای مالی بین المللی زیر فشار شدید قرار گرفته بود و تضییقاتی از نظر دسترسی به منابع مالی بر کشور ما اعمال می شد. به علاوه در اثر رشد سریع نقدینگی در اواخر سال قبل تقاضای اضافی در اقتصاد کشور ب شدت رو به افزایش بود و تراز پرداختها و سطح عمومی قیمتها را تحت فشار قرار می داد.

علی رغم این مشکلات، اجرای طرحهای عمده دولتی و خصوصی دنبال شد و رشد تولید در بسیاری از فعالیتهای اقتصادی ادامه یافت. به علاوه از همان اوایل سال تلاشهای گسترده ای به منظور جلب همکاریهای بازارهای مالی بین المللی در جهت تنظیم تعهدات کوتاه مدت کشور صورت گرفت و در اثر این تلاشها تکلیف بخش اعظم تعهدات کوتاه مدت و سررسید گذشته کشور تعیین گردید و این تعهدات به تعهدات میان مدت و بلند مدت و با حداقل هزینه های مالی تبدیل شد. بدین ترتیب زمینه های مساعد برای برقراری مجدد پوشش بیمه ای روی اعتبارات اسنادی کشور فراهم و در نتیجه یکی از موانع عمده تجارت خارجی کشور مرتفع گردید. به موازات این روند در تنظیم پرداختهای ارزی کشور نیز کوشش شد تا

منابع ارزی کشور به سوی سرمایه‌گذارهای مولد و تامین نیازهای بسیار ضروری هدایت شود.

در مجموع شواهد موجود حاکی از ادامه روند مثبت رشد در بسیاری از فعالیتهای اقتصادی است. در بخش نفت، درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت از رشد بسیار قابل توجهی برخوردار بوده و این درآمدها به دلیل افزایش قیمت نفت خام در بازارهای جهانی در سطحی بالاتر از پیش‌بینی‌های ابتدای سال قرار گرفت.

بخش کشاورزی نیز همچنان رشد مثبت قابل توجهی را تجربه کرده و براساس اطلاعات موجود رشد تولید بسیاری از اقلام عمده کشاورزی ادامه یافته است. استمرار سیاستهای خرید تضمینی محصولات کشاورزی، تامین نهاده‌های تولید با نرخهای سوبسیدی و اعطای تسهیلات ارزانه‌قیمت به طرحهای کشاورزی، از عمده عوامل موثر در شکوفایی بخش کشاورزی طی سالهای اخیر است.

در بخشهای صنعت و معدن و نیرو نیز روند حرکت مثبت و عمدتاً رو به بالا بوده است. طی ششماه اول سال جاری علی‌رغم وجود برخی از مشکلات ارزی و در اثر افزایش درصد ساخت داخلی بسیاری از مواد واسطه‌ای، میزان تولید در بسیاری از رشته‌های صنعتی از رشد مثبت نسبتاً بالایی برخوردار بوده است. براساس آمار وزارت صنایع در گروه صنایع غذایی تولید روغن نباتی ۶ درصد، در گروه صنایع شیمیایی تولید لاستیک خودرو ۲۴ درصد، در گروه صنایع کانی غیرفلزی تولید سیمان و کاشی به ترتیب ۶ درصد و ۳۸ درصد و در گروه صنایع نساجی تولید انواع نخ و الیاف پلی‌استر و تاپس اکریلیک بین ۸ تا ۲۷ درصد بیش از نیمه اول سال قبل بوده و در گروه صنایع فلزی نیز تولید بسیاری از لوازم خانگی فلزی از رشد

قابل توجهی برخوردار گردیده است.

در بخش مالی، بودجه دولت در وضعیت نسبتاً متعادلی قرار داشت. درآمد نفت و گاز بیش از ۴۲ درصد و درآمدهای مالیاتی دولت ۳۰ درصد نسبت به نیمه اول سال قبل افزایش یافت و مجموع پرداختهای دولت با کمتر از ۲۹ درصد افزایش به حدود ۹۲ درصد پرداختهای مصوب برای نیمه اول سال ۱۳۷۳ محدود گردید. بدین ترتیب بودجه دولت از نظر دریافتها و پرداختهای مربوط به نیمه اول سال به سمت تعادل در حرکت بوده است. با این حال عمده ترین مشکل در بخش مالی دولت، کسری حساب ذخیره تعهدات ارزی است که موجبات تزریق پول یروقدرت به اقتصاد را فراهم آورده و مبنای رشد عرضه پول می شود. بدیهی است ریشه های این مشکل در سائهای گذشته تکوین یافته و مربوط به تفاوت نرخ ارز در سالهای قبل با نرخ شناور فعلی است که برای بازپرداخت تعهدات ارزی مورد استفاده قرار می گیرد. در این مورد به نظر می رسد راه حل مشکل، محاسبه نرخ منطقی ارز برای پرداخت تعهدات گذشته و دریافت مابه التفاوت آن از استفاده کنندگان مربوطه است. با توجه به بهای محصولات در بازار و افزایش ارزش سرمایه گذاریهای انجام شده با نرخهای سو بسیدی ارز، اتخاذ این رویه کاملاً منطقی و عادلانه به نظر می رسد.

در بخش پولی نیز طی نیمه اول سال جاری کنترل بیشتری به عرضه پول اعمال گردید و با استفاده از ابزارهای غیرمستقیم سیاستهای پولی کوشش شد تا هدف تعیین شده در قانون بودجه سال جاری که محدود کردن رشد مانده تسهیلات به ۱۵ درصد در طول سال بود، تأمین شود.

تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۳۷۳، سقف تسهیلات بانکی قابل واگذاری توسط بانک

مرکزی و کلیه بانکهای کشور به بخشهای دولتی، خصوصی و تعاونی را فقط در حدی مجاز دانسته است که خالص بدهی کل این بخشها به سیستم بانکی تا پایان سال ۱۳۷۳ بیش از ۷ هزار میلیارد ریال افزایش نیابد. براساس همین تبصره باید ۵۵ درصد از تسهیلات مذکور به بخش غیر دولتی و ۴۵ درصد بقیه به بخش دولتی اعطا شود.

بررسی عملکرد اعتباری بانکها در نیمه اول سال ۱۳۷۳ نشان می دهد که مانده تسهیلات پرداختی بانکها به بخش غیردولتی با رشدی معادل ۶/۱ درصد به حدود ۳۲۶۶۳ میلیارد ریال در پایان شهریورماه بالغ گردیده و بدین ترتیب حدود ۱۸۸۷ میلیارد ریال بر مانده این تسهیلات افزوده گردیده است. رشد مانده تسهیلات مذکور در نیمه اول سال ۱۳۷۲ معادل ۱۴/۲ درصد بوده است. در همین مدت افزایش خالص مانده تسهیلات بخش دولتی نیز به ۱۰۴۶ میلیارد ریال محدود گردیده و بدین ترتیب در نیمه اول سال جاری میزان افزایش در مانده کل تسهیلات سیستم بانکی انطباق کاملی با مصوبات مجلس شورای اسلامی داشته است. مقایسه عملکرد تسهیلات سیستم بانکی با مصوبه مجلس شورای اسلامی (میلیارد ریال)

مصرف برای کل سال		عملکرد شش ماهه
		افزایش در مانده تسهیلات
۱۸۸۷	۳۸۵۰	بخش غیردولتی
		افزایش در مانده خالص تسهیلات
۱۰۴۶	۳۱۵۰	بخش دولتی
۲۹۳۳	۷۰۰۰	کل

با اعمال کنترل بیشتر برگسترش تسهیلات بانکی، رشد عرضه پول نیز تحت کنترل

قرار گرفت و میزان افزایش در کل نقدینگی از $۱۱/۲$ درصد در نیمه اول سال گذشته به $۸/۳$ درصد در ششماه اول سال جاری محدود گردید. این رشد کاملاً در سپرده های اشخاص انعکاس یافت و بانکها موفق گردیدند رشد سپرده های جذب شده را به $۱۱/۴$ درصد برسانند. بدین ترتیب نسبت سپرده ها در کل نقدینگی از $۸۵/۸$ درصد در پایان سال ۱۳۷۳ به $۸۸/۲$ درصد در شهریور سال ۱۳۷۳ افزایش یافت و متقابلاً سهم اسکناس و مسکوک از $۱۴/۲$ درصد به $۱۱/۸$ درصد محدود شد. روند کاهشی نسبت اسکناس و مسکوک در نقدینگی که در سالهای اخیر همواره ادامه داشته است، ناشی از بالا رفتن کارآیی بانکها در جذب سپرده ها، افزایش اعتماد عمومی به بانکها و همچنین افزایش کارآیی در مدیریت پول رسانی به اقصی نقاط کشور است.

لازم به یادآوری است که در سال ۱۳۷۳ سطح نرخهای سود تسهیلات در سیستم بانکی ثابت ماند و در نتیجه در سود سپرده ها نیز تغییری داده نشد. با توجه به عدم توسعه کافی بازار پول و سرمایه و محدود بودن ابزارهای مالی برای پس انداز، تجدید نظر در نرخهای سود بانکی امری ضروری است و لازم است به موازات آن بازار بورس اوراق بهادار نیز فعالتر شود. همچنین ضروری است ابزارهای مالی جدیدی نظیر اوراق مشارکت، گواهی سپرده و غیره نیز معرفی گردد تا بتوان ضمن ترغیب پس انداز در جامعه، نقدینگی و منابع مالی را در کانالهای صحیح و مورد نظر هدایت نمود. به طور کلی سیستم پولی و مالی کشور در این زمینه دچار کمبودهای جدی است و لذا جا دارد مراجع قانونگذاری و تصمیم گیری در این گونه موارد با مقامات پولی مساعدت لازم را داشته باشند تا بتوان موانع موجود در این راه را مرتفع کرد. البته در سال ۱۳۷۳ اولین حرکات به سمت ایجاد ابزارهای جدید مالی با معرفی اوراق

مشارکت طرح نواب آغاز گردید. این ابزار مورد استقبال جامعه قرار گرفت و در واقع حرکات اولیه در این زمینه با موفقیت همراه بوده است. واکنش مثبت مردم نسبت به این اقدامات نشانه بسیار خوبی است و زمینه را برای اقدامات وسیعتر و جدی تر بعدی در جهت ایجاد تنوع در ابزارهای مالی و توسعه و تکامل بازارهای پول و سرمایه آماده نموده است.

در سال ۱۳۷۳ با توجه به حجم تعهدات خارجی کشور، سیاستهای ارزی و بازرگانی خارجی در جهتی قرار گرفت که تعادل لازم در تراز پرداختهای کشور برقرار گردد. افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی به همراه رشد صادرات کالاهای غیرنفتی در طرف درآمدهای ارزی و به ثمر رسیدن بسیاری از طرحهای عظیم تولید کننده مواد واسطه ای و همچنین تامین سهم بیشتری از مواد غذایی از داخل کشور و با اعمال کاهش نیاز به واردات این گونه کالاها، این سیاستها را با موفقیت بیشتری همراه نمود. در نتیجه خالص حسابجاری تراز پرداختهای کشور در نیمه اول سال برای اولین بار در طی پنج سال اخیر مثبت شد. در این دوره تراز بازرگانی خارجی کشور حدود ۴/۴ میلیارد دلار مازاد نشان داد که با توجه به حساب خدمات مازاد کل حسابجاری تراز پرداختها به حدود ۲/۶ میلیارد دلار بالغ گردید. این مبلغ به مصرف بازپرداخت تعهدات ارزی و افزایش ذخایر خارجی کشور رسید.

در حساب تراز بازرگانی کشور مبلغی بیش از ۱/۸ میلیارد دلار مربوط به صادرات کالاهای غیر نفتی بود که روند فزاینده خود را حفظ نموده و بخش عمده ای از آن را صادرات کالاهای صنعتی تشکیل می داد.

سطح قیمتها در نیمه اول سال جاری روندی صعودی داشت که عمده ترین علت آن رشد سریع ۳۴ درصدی نقدینگی در سال ۱۳۷۲ و بویژه اواخر این سال بود که آثار خود را با

تاخیر زمانی در نیمه اول سال جاری نشان داد. علاوه بر این کاهش واردات برخی از کالاها به علت عدم مساعدت بازارهای جهانی نیز مزید بر علت گردید و در مجموع سطح قیمتها را بیشتر از نیمه اول سال قبل افزایش داد. با این حال اقدام به سر و سامان دادن به وضعیت تعهدات خارجی و سیاستهای پولی اتخاذ شده در جهت کنترل نقدینگی از جمله اقدامات مهمی است که در تخفیف تورم تاثیر قاطع خواهد داشت و آثار این اقدامات با کمی تاخیر زمانی ظاهر خواهد شد.

یکی دیگر از تحولات بسیار مهم اقتصادی در سال ۱۳۷۳ تهیه و تصویب دومین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است.

بررسی این برنامه نشان می دهد که علی الاصول دو محور اساسی مبنای تعیین اهداف و سیاستهای این برنامه بوده است.

اولین محور ایجاد و حفظ ثبات اقتصادی در طول سالهای برنامه و دومین آن ایجاد تعادل در تراز پرداختهای کشور است. با توجه به این دو محور حجم سرمایه گذاریها و هدف کمی رشد اقتصادی در سطحی تعیین گردیده است که کاملاً واقع بینانه بوده و بتواند با امکانات و محدودیتهای کشور سازگاری داشته باشد.

در این برنامه هدف رشد اقتصادی سالانه $5/1$ درصد تعیین گردیده و سرمایه گذاری لازم برای نیل به این رشد جمعا در طول پنج سال برنامه ۱۴۰۶۳ میلیارد ریال به قیمتهای ثابت سال ۱۳۶۱ پیش بینی شده است. در این صورت رشد سالانه سرمایه گذاری به $6/2$ درصد خواهد رسید.

در طول برنامه بودجه دولت متعادل خواهد بود و کسری بودجه در حد صفر باقی خواهد

مانند .

در بخش تراز پرداختها ، درآمد حاصل از صادرات نفت با توجه به پیش بینی مقدار صادرات و قیمت‌های نفت در بازارهای بین‌المللی جمعا در طول برنامه ۷/۷۲ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است . همچنین با توجه به سیاستهایی که در جهت توسعه صادرات غیر نفتی اجرا شده و خواهد شد انتظار برنامه آن است که جمعا ۵/۲۷ میلیارد دلار نیز از محل صادرات کالا عاید کشور بشود . بدین ترتیب مجموع درآمدهای کشور در حساب تراز بازرگانی حدود ۱۰۰ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است . براساس قانون برنامه قرار است معادل ۲/۸ میلیارد دلار از درآمدهای مذکور صرف بازپرداخت تعهدات خارجی کشور شده و حدود ۹۲ میلیارد دلار نیز به مصرف واردات کالا برسد .

در این برنامه در نظر است با اتخاذ سیاستهای لازم ، کنترل کاملی بر عرضه پول اعمال گردد و از این طریق یک ثبات پایدار در اقتصاد کشور ایجاد بشود . هدف برنامه در مورد تورم ، محدود کردن نرخ آن به ۴/۱۲ درصد در سال تعیین شده است .

در خاتمه ذکر این نکته را ضروری می‌دانند که با توجه به شرایط جهانی که اوضاع دشواری را به کشور ما دیکته می‌کند و با در نظر گرفتن این که افزایش نقدینگی بیشتر از حد مورد انتظار است ، لازم است سیاستهای پولی و مالی موثرتر و محکمتری را اتخاذ نمود تا بتوان کنترل بیشتری بر نقدینگی اعمال کرد و علاوه بر آن لازم است منابع مالی به نحو بهینه به مصرف برسد و در تخصیص تسهیلات سوسپندی نیز دقت عمل بیشتری اعمال گردد . همچنین به منظور ایجاد تعادل در عرضه و تقاضای پول و ترغیب پس‌اندازها و تخصیص بهینه منابع مالی ضروری است هزینه پول به نرخهای تعادلی و واقعی نزدیکتر شود و تصمیمات پولی نیز فقط در

مراجع پولی اتخاذ گردد. با یک چنین انضباطی است که می توان بر مشکلات فایق آمد و به اهداف رشد و توسعه متعادل اقتصادی دست یافت. البته در این زمینه در سال ۱۳۷۳ نسبت به سال ۱۳۷۲ موفقیت‌های قابل توجهی به دست آمده است اما هنوز برای رسیدن به وضعیت مطلوب باید قدم‌های استوار بیشتری برداریم.